

تأثیر نگرش قدسی به سیاست بر روابط خارجی، در اندیشه اندیشمندان ایرانی

سعید شکوهی^۱

دکتری روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

چکیده

نگرش قدسی به سیاست در اغلب برهه‌های تاریخ اندیشه سیاسی ایران رایج بوده است. این نگرش مشخصه‌هایی دارد: خداباوری، اعتقاد به هماهنگی میان نظم سیاسی و نظم کیهانی، رابطه دین و سیاست و اعتقاد به فره ایزدی یا برخورداری از رهبری برگزیده. نگرش قدسی اندیشمندان به سیاست بر نگاه آنان در حوزه روابط خارجی تأثیرگذار است. در این مقاله، سعی می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که نگرش قدسی به سیاست چه ویژگی‌هایی داشته و چه تأثیری بر نگاه ایرانیان به حوزه روابط خارجی گذاشته است. منظور از ایرانیان در این نوشتار، اندیشمندان ایرانی اسلامی است. برای رسیدن به پاسخی درخور، اندیشه سه تن از اندیشمندان برجسته دوره اسلامی، یعنی فردوسی و خواجه نظام الملک و خواجه نصیرالدین طوسی بررسی می‌شود. دلیل انتخاب این سه اندیشمند، تأثیرگذاری عمیق آن‌ها بر اندیشه سیاسی ایرانی اسلامی است. شاهنامه فردوسی، سیاست‌نامه خواجه نظام الملک و اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین جامعه نمونه این پژوهش را شکل می‌دهند. این آثار به روش تحلیل محتوای کیفی مطالعه شد و شاخص‌های تعریف‌شده برای قدسی‌انگاری سیاست، در آن‌ها بررسی گردید. فرضیه مقاله آن است که نگاه قدسی به سیاست باعث شکل‌گیری آموزه ثنویت (پیکار دائمی خیر و شر)، در روابط خارجی، در اندیشه اندیشمندان ایرانی شده است.

واژه‌های کلیدی: نگرش قدسی، سیاست، روابط خارجی، آموزه ثنویت، ایران.

فهم روش‌ها و سیاست‌های جاری هر کشور، مخصوصاً رفتار خارجی آن، بدون شناخت پیشینه تاریخی و اندیشه‌های جاری در آن جامعه در طی سده‌های متمادی، فهمی متقن و جامع نخواهد بود و به کژراهه خواهد انجامید. این امر به خصوص در مورد کشورهای که سابقه تاریخی کهن دارند و به آن هم می‌بالند، بیشتر صدق می‌کند. بی‌شک ایران هم به‌عنوان یکی از تمدن‌های دیرپا و باستانی جهان، جزو همین دسته از کشورهاست.

به‌اعتقاد نویسندگان، اغلب اندیشمندان و نخبگان ایرانی از دوران پیش از اسلام، نگرشی قدسی به سیاست داشته‌اند و آن را رازآلود و مرتبط به نظم کیهانی می‌پنداشته‌اند. این دیدگاه در دوران بعد از اسلام تداوم یافته و حتی تقویت شده است. از همین رو، سؤال این مقاله برگرفته از این مفروض است: نگرش قدسی به سیاست چه تأثیری بر نگاه اندیشمندان ایرانی دوره اسلامی به حوزه روابط خارجی داشته است؟ منظور نویسندگان از ایرانیان، در سرتاسر این مقاله، عبارت است از نخبگان فکری و اندیشمندان ایرانی در دوره اسلامی.

مفروض مقاله نگرش قدسی ایرانیان به سیاست و فرمانروایی است: اینکه اغلب اندیشه‌ورزان ایرانی در سرتاسر تاریخ، فرمانروایی و سیاست را رازآلود و پیوندخورده با نظم کیهانی و متعلق به خداوند می‌دانند و کسانی که در روی زمین به فرمانروایی می‌رسند، باید دارای ویژگی‌هایی باشند تا بتوانند خویش‌کاری فرمانروایی را به‌درستی به‌جا بیاورند. فرضیه مقاله آن است که نگرش قدسی به سیاست، این نگاه را شکل داده که روابط خارجی ایران عرصه نبرد بی‌پایان میان حق و باطل یا جبهه اهورایی و اهریمنی بوده و ایران در جبهه حق، با اهریمنان جبهه باطل در کشاکش است.

این تحقیق دربرگیرنده چندین بخش اصلی است. بعد از بررسی پیشینه پژوهش، ابتدا مفهوم نگاه قدسی و مؤلفه‌ها و شاخصه‌های آن برشمرده خواهند شد. در بخش دوم مقاله، آرای سه تن از اندیشمندان تأثیرگذار دوران اسلامی، فردوسی و خواجه نظام‌الملک و خواجه نصیرالدین طوسی، براساس آثار مهم آنان بررسی می‌شوند: شاهنامه فردوسی، سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک و اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی.

پیشینه تحقیق

منابع و آثار مرتبط با موضوع این پژوهش را می‌توان در چند مقوله دسته‌بندی کرد:

۱- منابعی که در باب اندیشه سیاسی در ایران نگاشته شده‌اند؛ برای نمونه، آثار سیدجواد طباطبایی (۱۳۸۵) و دیلم صالحی (۱۳۸۴)، و محمد کریمی زنجانی اصل (۱۳۸۲)، که نویسندگان آن‌ها صرفاً جریان اندیشه سیاسی در ایران را و دیدگاه‌های مختلف را بررسی کرده‌اند.

۲- آثاری که به منابع داخلی سیاست خارجی ایران پرداخته‌اند و از آن جمله می‌توان به آثار حمیرا مشیرزاده (۲۰۱۰)، پروفیسور رضائی (۲۰۱۰)، و جراردو نولی^۱ (۱۹۸۹)، اشاره کرد که در آن، نویسندگان کوشیده‌اند منابع و مؤلفه‌های داخلی و تأثیر آن‌ها را بر سیاست خارجی ایران برآورد کنند.

۳- آثاری که در ارتباط با فرهنگ سیاسی و هویت و ویژگی‌های رفتاری ایرانیان نوشته شده‌اند و در این باره می‌توان به آثار فیروزه کواسجی^۲ (۱۹۵۳)، فرهنگ رجایی (۱۳۷۶)، گراهام فولر (۱۳۷۳)، محسن ثلاثی (۱۳۷۹)، محمدرضا شریف (۱۳۸۱)، حسن قاضی‌مرادی (۱۳۸۷)، و محمود سریع‌القلم (۱۳۸۶)، اشاره کرد. نویسندگان این آثار عمدتاً در پی دریافت و تشریح ویژگی‌های فرهنگ سیاسی خاص ایرانیان و نمود این ویژگی‌ها بر رفتار آنان بوده‌اند. این‌گونه آثار معمولاً به ریشه‌های اندیشه‌ای نپرداخته و صرفاً ویژگی‌های خاص رفتاری یا مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی را تبیین و تشریح کرده‌اند.

۴- آثاری که در زمینه سیاست خارجی ایران به نگارش درآمده‌اند و منابع گسترده‌ای هم هستند. این منابع را می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد:

۴-۱. منابعی که به بررسی دوره‌ای سیاست خارجی ایران پرداخته‌اند و در آن‌ها دوران‌های متفاوت سیاست خارجی، چه از لحاظ گفتمانی و چه از لحاظ دولت‌های متفاوت، بررسی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به آثار ازغندی (۱۳۸۴)، دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۹)، انوشیروان احتشامی (۱۳۷۸)، عبدالرضا هوشنگ مهدوی (۱۳۸۴)، اشاره داشت.

۴-۲. آثاری که کوشیده‌اند سیاست خارجی ایران را به لحاظ تئوریک تبیین کرده و چارچوب مفهومی برای درک آن ارائه دهند که در این باره می‌توان به آثار رضائی



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراسات العالم الاسلامی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۵۶

سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳

1. Gherardo Gnoli
2. Firoze Cowasji Davar

(۱۳۸۰)، سیف‌زاده (۱۳۸۴)، سریع‌القلم (۱۳۷۹)، و دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۹)، اشاره کرد. ۳-۴. متونی که در پی آن بوده‌اند تا تأثیر مؤلفه‌های خاص بر سیاست خارجی ایران را برآورد کنند. در این زمینه می‌توان به آثار نقیب‌زاده (۱۳۸۱)، و حاجی‌یوسفی (۱۳۸۴)، یا اطاعت (۱۳۷۶)، اشاره کرد. در این آثار سعی شده است تأثیر مؤلفه‌هایی همچون فرهنگ ملی یا تحولات منطقه‌ای یا ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی ایران بررسی شود. ۴-۴. آثاری که بر آن بوده‌اند تا اصول سیاست خارجی یا فرایندهای تصمیم‌گیری و شکل‌گیری سیاست خارجی ایران را بررسی و مدل مفهومی خاصی عرضه کنند. در این زمینه می‌توان به آثار نقیب‌زاده (۱۳۸۸)، و محمدی (۱۳۶۶)، و سیف‌زاده (۱۳۹۰)، اشاره کرد.

آنچه پژوهش حاضر را با دیگر آثار اشاره‌شده متفاوت می‌کند، این است که در پی دریافت تأثیر اندیشه‌ای دیرپا در نزد اندیشمندان ایرانی اسلامی، بر دیدگاه آنان درباره روابط خارجی است. بدیهی است این پژوهش در سطح اندیشه‌ای بوده و مدعی نظریه‌پردازی در حوزه سیاست خارجی نیست. در گام بعدی، می‌توان میزان انعکاس این دیدگاه‌ها را در عرصه عملی روابط خارجی کندوکاو کرد.

روش پژوهش: تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی

روش پژوهش، روش تحلیل محتوای کیفی است. «تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی، از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست» (هسیه و شانون، به نقل از: ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۰).

اگر تحلیل محتوا در حد شمارش و کدگذاری واژگان بازایستد، تحلیلی کمی به‌شمار می‌آید که تمرکز آن بر شمار فراوانی مضمون یا واژگان ویژه است. تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی به آن‌سوی شمارش که همان تحلیل محتوای پنهان و نهفته موجود در کلمات است، نیز می‌رود. تحلیل محتوای پنهان به فرایند تفسیر محتوا مربوط می‌شود. در این نوع تحلیل، تمرکز بر کشف معانی اصولی واژه یا مضامین آن است (ببی، ۲۰۰۱: ۴۴ تا ۴۴۲)، و پژوهشگران از این نوع تحلیل محتوا، در مطالعات تحلیلی انواع مقالات موجود

در مجلات علمی و همچنین کتاب‌های مرجع استفاده می‌کنند.

اندیشمندان منتخب

چنان‌که گذشت، در این تحقیق آثار سه تن از اندیشمندان بسیار مشهور حوزه اندیشه سیاسی در دوره اسلامی را بررسی خواهیم کرد که دیدگاه‌های آنان اهمیت و تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای در اندیشه ایرانی داشته است: فردوسی و خواجه نظام‌الملک و خواجه نصیرالدین طوسی. این سه از متقدمان و از چهره‌های تأثیرگذار حوزه اندیشه سیاسی ایران بودند که در دوره اسلامی زیسته و آثاری نیز در این زمینه نوشته‌اند. آثار آنان از منابع اصلی اندیشه‌پژوهی سیاسی در دوران اسلامی در ایران به‌شمار می‌رود. باتوجه‌به اینکه هر سه اندیشمند فوق دارای آثار متعددی هستند، یکی از آثار هریک از آن‌ها را برای بررسی و تحلیل محتوا انتخاب کرده‌ایم. شاهنامه فردوسی، سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک و اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین جامعه آماری این تحقیق را شکل می‌دهند.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

جامعه نمونه و واحد تحلیل

درباره جامعه نمونه باید گفت که چون در اینجا آثار و مکتوبات اندیشمندان فوق را بررسی می‌کنیم، به داشتن جامعه نمونه گسترده برای دریافت آرا و اندیشه آنان نیازمند نیستیم. بنابراین، باتوجه‌به محدودیت فضای بحث در این تحقیق، به حداقل جامعه نمونه اکتفا خواهیم کرد. واحد تحلیل در این تحقیق، کلمه است.

۱- نگرش قدسی به سیاست

دین‌باوری و معنویت و اعتقاد به وجود آفریدگاری قادر و مطلق، از آغاز تاریخ ایران تاکنون دیده می‌شود و همین عناصر باعث شده است که معناگرایی در کنار مادی‌گرایی، از عناصر شکل‌دهنده و قوام‌بخش هویت ایرانی باشد. حتی می‌توان ادعا کرد که وزن و نقش عوامل معنایی بیشتر از عوامل و عناصر مادی بوده است (رجایی، ۱۳۷۳). نگرش قدسی و آرمانی به سیاست و فرمانروایی، از شاخصه‌های اصلی این اندیشه محسوب می‌شود. اغلب اندیشمندان ایرانی دیدگاه ویژه‌ای درباره جهان، نظم هستی، آفریدگار آن، انسان، جایگاه و وظیفه او در جهان، هدف آفرینش و... داشته‌اند و توجه آن‌ها به این مؤلفه‌های غیرمادی،

ناشی از همین دیدگاه‌هاست. این‌ها ارزش‌ها و مقولاتی نه این جهانی، بلکه کیهانی هستند که سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها نیز در گرو توجه به آن‌هاست. عناصر و ارزش‌هایی همچون خداباوری، نقش دین در سیاست، نقش اخلاق، نگاه خاص به نظام هستی و لزوم هماهنگی با این نظام، از ویژگی‌های نگاه معنامحور ایرانیان به جهان و نظم جهانی است (مجتبایی، ۱۳۵۲).

باورها و ارزش‌های آسمانی انسان ایرانی آن‌چنان در زندگی این جهانی او تأثیرگذار و مانا بوده است که بر دیدگاه وی در زمینه مقولات و معادلات زندگی روزمره او تأثیری شگرف گذاشته است. سیاست نیز از این امر مستثنا نیست و نگاه انسان ایرانی به سیاست، به اعتقادات آسمانی او پیوند خورده است. نگرش قدسی به سیاست در چندین حوزه متجلی است: اعتقاد به وجود خداوند؛ هماهنگی نظم سیاسی با نظم کیهانی؛ رابطه مذهب و سیاست؛ فره ایزدی.

۱-۱. خداباوری: اعتقاد به خداوند و قدرت بی‌مثال او در نظریه ایرانی فرمانروایی نیز متجلی است. بر این اساس، فرمانروایی بر موجودات دیگر فقط زبیده خداوند قادر است و تنها اوست که این حق را دارد. به عبارت بهتر، فرمانروایی جزو خویش‌کاری‌های خداوند است.

در نظام اندیشگی ایران‌شهری، سیاست دارای سرشتی قدسی است و براساس آن، شهریار ایرانی نماینده و جانشین خداوند بر روی زمین بوده و دارای خویش‌کاری‌هایی است که خداوند بدو مأموریت داده است (رستم‌وندی، ۱۳۸۸: ۳۳). فرمانروای زمینی حکم فرمانروایی خود را از خدا دریافت می‌دارد و در صورتی که در عمل به خویش‌کاری خود ناکارآمد باشد، یا از آن سرباز بزند، فره یا جواز آسمانی از او گرفته می‌شود و گرفتار خواهد آمد.

در دین اسلام، دولت و دین با یکدیگر زاده شده‌اند. پیامبر اسلام رسالت خود را به انجام رساند و قبایل مختلف با خدایان متفاوت را با پرستش خداوند یگانه، زیر پرچم دولت اسلامی درآورد. پرستش خدای واحد و شکل‌گیری یکتاپرستی تحت تعالیم پیامبر اسلام و تأسیس دولت، با رهبری و مجاهدت‌های پیامبر در هم آمیخت و به این ترتیب، دین و دولت در کنار یکدیگر پدید آمدند (پولادی، ۱۳۸۷: ۴۶ تا ۵۲).



بدیهی است که آثار اعتقاد به وجود خداوند و اطاعت از دستورهای او، به جامعه داخلی و رابطه بین دولت و اتباع آن محدود نیست و در حوزه روابط خارجی نیز الزاماتی برای دولت‌ها به وجود می‌آورد و قواعدی برای تنظیم این روابط ارائه می‌دهد.

۱-۲. هماهنگی نظم سیاسی با نظم کیهانی: در تمدن‌های قدیمی، از جمله تمدن ایرانی، اندیشه سیاسی در اندیشه کیهان‌شناختی جای داشته است و همین هم ویژگی‌های آن را تعیین می‌کرد. این ویژگی عبارت است از جایگاه نظام سیاسی در نظام کیهانی. بنابراین، نظام سیاسی باید با نظام کیهانی مطابقت داشته باشد؛ به نحوی که نظم جامعه انسانی همچون نظم کیهانی، از قاعده خاصی تبعیت کند. این قاعده با عدالت مطابق است و رستگاری انسان را تضمین می‌کند. اگر نظم جامعه بر عدالت و راستی مبتنا نیابد، دستیابی به رستگاری امکان‌پذیر نخواهد بود.

اگر نظم جامعه بر عدالت و راستی مبتنا نیابد، دستیابی به رستگاری امکان‌پذیر نخواهد بود؛ بنابراین، برای دستیابی به این قاعده و نظم و نائل آمدن به رستگاری، باید رهبری کسی را پذیرفت که با نیروهای کیهانی ارتباط دارد. از آنجاکه خدایان نظام کیهانی را هدایت می‌کنند، همان‌ها هستند که نمایندگان خود را برای ساری و جاری کردن نظم مطلوب خود در بین انسان‌ها برمی‌گزینند و این چنین است که در ایران باستان، انسان جانشین خدا می‌شود تا به اهورامزدا کمک کند که اهریمن را شکست دهد؛ اهریمنی که در پی برهم زدن نظم کیهانی است (پولادی، ۱۳۸۷: ۹).

این تفکر با ورود اسلام به ایران دچار دگرگشت مفهومی شده؛ اما رویه همچنان پابرجاست. حاکم یا خلیفه اسلامی باید با واسطه یا بی‌واسطه برگزیده و نایب خداوند باشد و بتواند وظایف خود را عملی کند. این مسئله اساس مشروعیت آنان را شکل می‌داد. از این رو، حاکمانی که برگزیده راستین خداوند نبوده‌اند، همواره در تلاش برای جانداختن این مسئله بوده و به موضوعاتی همچون «سایه خداوند» متوسل می‌شده‌اند.

۱-۳. رابطه دین و سیاست: به‌باور علمای اسلامی، همان‌گونه که لمبتون در کتاب دولت و حکومت در اسلام آورده، زیربنای همه مباحث مرتبط به حکومت، شریعت الهی است. به تعبیر هامیلتون آر گیب، تاریخ‌پژوه نامدار غرب، کار حکومت در جامعه اسلامی اساساً اجرای شریعت است. درحقیقت در اسلام، برخلاف فلسفه سیاسی کلاسیک یونان



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۶۰

سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳

که دولت مقدم بر قانون است، قانون پیش از شکل‌گیری دولت موجود بوده و دولت تنها هدفش حفظ و اجرای شریعت است (لمبتون، ۱۳۸۰).

به‌هرحال، اعتقاد به اینکه حکومت باید مجری قوانین شرع باشد و شرط اصلی مشروعیت حکومت، عمل‌کردن آن به دستورهای مذهبی است، سبب شد اندیشمندان ایران و اسلام هریک در این باره دست به قلم ببرند و بکوشند به شیوه‌ای مدلل، ماهیت حکومت را بررسی و چندوچون آن را تشریح کنند.

در تأیید این نکته همان بس که شمار زیاد نصیحت‌الملوک‌ها، تذکره‌الملوک‌ها، آداب‌الملوک‌ها و سیرالملوک‌ها از ادوار تاریخی ایران به یادگار مانده که در آن‌ها نه‌تنها درباره ماهیت حکومت‌ها بحث شده، بلکه از راه و رسم زمامداری نیز به شیوه‌هایی گوناگون سخن به میان آمده است. درحقیقت، در تاریخ ایران مباحثی همچون جدایی دین از سیاست تا به روزگار ناصری و آغاز گفتمان‌های مرتبط با مشروطیت، هیچ‌گاه نمودی نیافته بود.

۴-۱. فره ایزدی: ایرانیان بر این اعتقاد بوده‌اند که شاهان باید دارای ویژگی‌های خاص باشند و از فره ایزدی نیز برخوردار، تا بتوانند لایق دریافت حق فرمانروایی بر موجودات دیگر، از خداوند باشند. از این منظر، شاه یا فرمانروا به‌خودی‌خود دارای حق فرمانروایی نیست؛ بلکه فرمانروایی موهبتی است که به‌سبب داشتن برخی ویژگی‌ها، خداوند به وی اعطا کرده است.

ایرانیان به‌رغم تنوع و گوناگونی عقاید، تفکر «فره‌اندیشانه» را در ادوار مختلف تاریخی خود حفظ کردند. فر به‌سبب داشتن چند ویژگی به فرد تعلق می‌گیرد که ازجمله آن‌ها می‌توان به نژاد اشاره کرد. در شاهنامه، نژاد مهم‌ترین عامل دریافت فره ایزدی است. کما اینکه ترکان از این موهبت نمی‌توانند برخوردار باشند. عامل دوم خرد است که بهترین آفریده خداوند است و شاه فرهمند باید از موهبت خرد نیز برخوردار باشد و براساس خرد رفتار و حکومت کند. زایل‌شدن خرد، زایل‌شدن موهبت فر و درنتیجه زایل‌شدن حکومت را فراهم می‌آورد. عامل سوم عدل است که وجود آن یکی از دلایل اعطای فره است؛ اما نبود آن به‌تنهایی برای زایل‌شدن فره کافی است. فر و داد همنشین هم هستند.



۲- تحلیل محتوای آثار منتخب

در این بخش از تحقیق، شاخص‌های معین‌شده برای قدسی‌انگاری سیاست را در آثار اندیشمندان مدنظر بررسی خواهیم کرد.

۲-۱: خداآوری

جدول ۱

کد	اندیشه‌های فردوسی
۱-۱: اطاعت از یزدان بر همه واجب است. ۱-۲: خدا پادشاه پادشاهان است. ۱-۳: خدا فرمانروای روی زمین است. ۱-۴: حکم و اندیشه خدا برتر از همه است.	۱- شما دل به فرمان یزدان پاک بدارید وز ما مدارید پاک که او یست بر پادشا پادشا جهاندار و پیروز و فرمانروا جهاندار بر داوران داور است ز اندیشه هرکسی برتر است (فردوسی، ۱۳۸۸: ۱۰۳۸).
۲-۱: خداوند، سرچشمه همه نیکی‌ها است. ۲-۲: خداوند هستی مطلق است. ۲-۳: نیستی و زوال درمورد خدا صدق نمی‌کند. ۲-۴: خداوند وجودی ازلی و ابدی است.	۲- بد و نیک از او دان کش انباز نیست به کاریش فرجام و آغاز نیست چو گوید بباش آنچ گوید به دست همو بود تا بود و تا هست هست (فردوسی، ۱۳۸۸: ۹۱۴).
کد	اندیشه‌های خواجه نظام‌الملک
۳-۱: گذشت دوران تیره و ظهور روزگار نیک از آثار قدرت خداوند است. ۳-۲: برآمدن پادشاهی عادل و عاقل از نشانه‌های قدرت خداوند است.	۳- پس چون از سعادت آسمانی روزگار نحوست بگذرد و ایام راحت و ایمنی پدیدار آید، ایزد تعالی پادشاهی پدیدار آورد عادل و عاقل.... (نظام‌الملک، ۱۳۴۷: ۱۹۰).
۴-۱: خداوند آفریننده زمین و آسمان است. ۴-۲: خداوند روزی‌رسان بندگان است. ۴-۳: خداوند آگاه به اسرار و دانا به همه چیز است. ۴-۵: خداوند آمرزنده گناهان است. ۴-۶: پیامبر اسلام برگزیده پیامبران و منتخب خداوند است.	۴- سپاس خدای را عزوجل که آفریدگار زمین و آسمان است و روزی‌دهنده بندگان است و شناسنده آشکار و نهان است و آمرزنده گناهان است و درود بر بهترین خلایق، محمد بن عبدالله علیه الصلوٰه و السلام که مهتر پیغامبران است و گزیده خدای جهان است و آورنده فرقان است و بر یاران و عترت او اجمعین (نظام‌الملک، ۱۳۴۷: ۳).
کد	اندیشه‌های خواجه نصیر
۵-۱: خداوند شایسته پرستش است. ۵-۲: اعتقاد به وجود خداوند عبادت است.	۵- عبادت خدای تعالی سه چیز است: اول اعتقاد حق؛ دوم قول صواب؛ سوم عمل صالح (نصیرالدین طوسی، بی‌تا: ۱۰۶).



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۶۲

سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳

۶-۱: خداوند غنی مطلق است. ۶-۲: وجود خدا نیازمند وجود هیچ چیز و هیچ کس نیست. ۶-۳: (نصیرالدین طوسی، بی تا: ۱۳۳۸).	۶-۱: خداوند غنی مطلق است. ۶-۲: وجود خدا نیازمند وجود هیچ چیز و هیچ کس نیست. ۶-۳: (نصیرالدین طوسی، بی تا: ۱۳۳۸).
۷-۱: خداوند داناترین دانایان است.	۷-۱: خداوند داناترین دانایان است.

۲-۲. هماهنگی با نظم کیهانی

جدول ۲

کد	اندیشه‌های فردوسی
۱-۱: با دادگری و پرهیز از خون‌ریزی، جهان در آرامش و خوشی خواهد بود. ۱-۲: با ظهور پادشاهی فره‌مند، جهان پر از صلح و صفا خواهد شد. ۱-۳: با پادشاهی فره‌مند، بدی از میان می‌رود. ۱-۴: با پادشاهی فره‌مند، غارت و چپاول از میان می‌رود. ۱-۵: با پادشاهی فره‌مند، جهانیان مطیع و فرمان‌بردار وی می‌شوند. ۱-۶: با پادشاهی فره‌مند، خلاق به راه راست می‌آیند. ۱-۷: با پادشاهی فره‌مند، ایران همچون بهشت آباد و زیبا می‌شود. ۱-۸: با پادشاهی فره‌مند، جهانیان برای گفت‌وگو و مفاهمه به ایران روی می‌آورند.	۱- جهان چون بهشتی شد آراسته ز داد و ز خوبی، پر از خواسته نشستند شاهان ز آویختن به هر جای بیداد و خون ریختن جهان پر شد از فره ایزدی ببستند گفتم دو دست از بدی ندانست کس غارت و تاختن دگر دست سوی بدی آختن جهان به فرمان شاه آمدند ز کژی و تازی به راه آمدند شد ایران به کردار خرم بهشت همه خاک عنبر شد و زر خشت جهانی به ایران نهادند روی بر آسوده از رنج وز گفت‌وگوی (فردوسی، ۱۳۸۸: ۱۰۴۷).
۲-۱: جهانی که ویرانه‌ای بیش نیست، با فره ایزدی آباد می‌شود. ۲-۲: با پادشاهی فره‌مند، همه از بدی دست خواهند شست. ۲-۳: با پادشاهی فره‌مند، همه جهان گلستان می‌شود.	۲- زمینی که آباد هرگز نبود برو بر ندیدند کشت و درود خمیده‌تر از بار شاخ درخت به فر جهاندار بیدار بخت جهان نو شد از فره ایزدی ببستند گفتم دو دست بدی در و دشت گل بود و بام سرای جهان گشت پرسبزه و چارپای همه رودها همچو دریا شده به پالیز گل چون ثریا شده (فردوسی، ۱۳۸۸: ۳۹۰).
کد	اندیشه‌های خواجه نظام‌الملک

۳-۱: خداوند برای عقوبت مردمان بدکار و بی‌دین، پادشاهی نیک را از آنان می‌گیرد.	۳- «...و چون - والعیاذ بالله - از بندگان عصیانی و استخفافی بر شریعت و یا تقصیری اندر طاعت و فرمان‌های حق، تعالی، پدیدار آید و خواهد که بدیشان عقوبتی رساند و پاداش کردار ایشان با ایشان را بچشانند... هر آینه شومی آن عصیان و خشم و خذلان حق تعالی، در آن مردمان اندر رسد: پادشاهی نیک از میان برود و شمشیرهای مختلف کشیده شود و خون‌ها ریخته آید...» (نظام الملک، ۱۳۴۷: ۱۷۲).
۳-۲: با ازبین‌رفتن پادشاهی نیک، صلح و آرامش در جهان نیز از بین می‌رود.	
۳-۳: با ازبین‌رفتن پادشاهی نیک، جنگ و خون‌ریزی به راه می‌افتد.	

۳-۲. رابطه دین و سیاست

جدول ۳

کد	اندیشه‌های فردوسی
۱-۱: دین بدون شهریاری برجا نمی‌ماند. ۱-۲: شهریاری بدون دین نیز برجا نمی‌ماند. ۱-۳: پادشاهی بدون دین، احترام نیابد. ۱-۴: دین و دولت همراه یکدیگر و نگهبان هم هستند. ۱-۵: دین و دولت از هم بی‌نیاز نیستند.	۱- چو بر دین کند شهریار آفرین نه بی‌تخت شاهی بود دین به پای نه از پادشا بی‌نیازست دین برادر شود پادشاهی و دین نه بی‌دین بود شهریاری به جای نه بی‌دین بود شاه را آفرین چنین پاسبانان یکدیگرند تو گویی که در زیر یک چادرند نه آن زین، نه این زان بود بی‌نیاز دو انباز دیدیمشان نیک ساز (فردوسی، ۱۳۸۸: ۸۹۰).
کد	اندیشه‌های خواجه نظام‌الملک
۲-۱: بهترین چیزی که پادشاه به آن نیاز دارد دین است. ۲-۲: دین و دولت مثل دو برادر هستند.	۲- نیکوترین چیزی که پادشاه را باید، دین درست است؛ زیرا که پادشاهی و دین همچون دو برادرند (نظام‌الملک، ۱۳۴۷: ۷۰).
۳-۱: تحقیق و تدقیق در احکام و سنت‌های دینی برای پادشاه از واجبات است. ۳-۲: پادشاه باید فرمان‌ها و احکام الهی را به‌جای آورد. ۳-۳: پادشاه باید علمای دین را تکریم کند. ۳-۴: پادشاه باید دین‌داران و زاهدان را گرامی دارد.	۳- بر پادشاه واجب است در کار دین پژوهش‌کردن و فرایض و سنت و فرمان‌های خدای تعالی را به‌جای آوردن و کاریستن و علمای دین را حرمت‌داشتن و کفاف ایشان از بیت‌المال پدیدآوردن و زاهدان و پرهیزکاران را گرامی‌داشتن...» (نظام‌الملک، ۱۳۴۷: ۷۹).
کد	اندیشه‌های خواجه نصیر
۴-۱: دین و حکومت همراه و وابسته هم هستند.	۴- تعلق دین و ملک به یکدیگر، چنان‌که پادشاه عجم و حکیم فرس اردشیر بابک گفته است: «الدین و الملك توأمان لا یتمّ احدهما الا بالآخر



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۶۴

سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳

۵- دین قاعده است و ملک ارکان و چنانکه اساس بی رکن ضایع بود و رکن بی اساس خراب، همچنین دین بی ملک نامتفع باشد و ملک بی دین واهی؛ (نصیرالدین طوسی، بی تا: ۲۴۳).

۵-۱: دین و دولت بدون هم بقا و دوامی ندارند.

۴-۲. فره ایزدی

جدول ۴

کد	اندیشه های فردوسی
۱-۱: پادشاهی که دارای فره ایزدی است، لایق شهریاری نیز هست. ۱-۲: پادشاهی که دارای فره ایزدی است، دین یار نیز هست و رهبر مذهبی نیز تواند بود. ۱-۳: پادشاهی که دارای فره ایزدی است، دست بدان را قطع می کند. ۱-۴: پادشاهی که دارای فره ایزدی است، جامعه را به سوی سعادت رهنمون تواند شد.	۱- منم گفت با فره ایزدی همم شهریاری و هم موبدی بدان را ز بد دست کوتاه کنم روان را سوی روشنی ره کنم (فردوسی، ۱۳۷۳: ۴۱).
۲-۱: شاه فره مند از هرگونه بدی مبری است.	۲- ز مردی و از فره ایزدی ازو دور شد چشم و دست بدی (فردوسی، ۱۳۷۳: ۲۸۶).
۳-۱: کج رفتن باعث زوال فره ایزدی می شود.	۳- ز من بگسلد فره ایزدی گرامیم بکزی و راه بدی (فردوسی، ۱۳۷۳: ۶۰۲).
کد	اندیشه های خواجه نظام الملک
۴-۱: پادشاه فره مند را خدا برمیگزیند. ۴-۲: پادشاه فره مند به هنر حکومت داری ازسوی خدا، آراسته می شود. ۴-۳: خداوند صلح و سعادت بندگان را بسته به او می دارد. ۴-۴: خداوند پادشاه فره مند را عزیز و محبوب می گرداند.	۴- ایزد تعالی، در هر عصری و روزگاری یکی را از میان خلق برگزیند و او را به هنرهای پادشاهانه و ستوده آراسته گرداند و مصالح جهان و آرام بندگان را بدو بازبندد و در فساد و آشوب و فتنه را بدو بسته گرداند و هیبت و حشمت او اندر دل ها و چشم خلایق بگستراند (نظام الملک، ۱۳۴۷: ۱۱).



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش های بنیادی جهان اسلام

<p>۵-۱: خداوند برای عقوبت مردمان بدکار و بی‌دین، پادشاهی نیک را از آنان می‌گیرد.</p> <p>۵-۲: با ازبین‌رفتن پادشاهی نیک، صلح و آرامش نیز از بین می‌رود.</p> <p>۵-۳: با ازبین‌رفتن پادشاهی نیک، جنگ و خونریزی به‌راه می‌افتد.</p>	<p>۵- «... و چون - و العیاذ بالله - از بندگان عصیانی و استخفافی بر شریعت و یا تقصیری اندر طاعت و فرمان‌های حق، تعالی، پدیدار آید و خواهد که بدیشان عقوبتی رساند و پاداش کردار ایشان با ایشان را بچشانند... هر آینه شومی آن عصیان و خشم و خذلان حق، تعالی، در آن مردمان اندر رسد: پادشاهی نیک از میان برود و شمشیرهای مختلف کشیده شود و خون‌ها ریخته آید... » (نظام‌الملک، ۱۳۴۷: ۱۱).</p>
---	--

۳- رمز‌گشایی جامعه نمونه

در این بخش از تحقیق جامعه نمونه کدبندی‌شده را رمز‌گشایی خواهیم کرد.

۳-۱. خداباوری

جدول ۵

شاخص تحلیل	جدول کد
خداباوری	<p>۱-۱: اطاعت از یزدان بر همه واجب است.</p> <p>۱-۲: خدا پادشاه پادشاهان است.</p> <p>۱-۳: خدا فرمانروای روی زمین است.</p> <p>۱-۴: حکم و اندیشه خدا برتر از همه است.</p> <p>۲-۱: خداوند سرچشمه همه نیکی‌هاست.</p> <p>۲-۲: خداوند هستی مطلق است.</p> <p>۲-۳: نیستی و زوال درمورد خدا صدق نمی‌کند.</p> <p>۲-۴: خداوند وجودی ازلی و ابدی است.</p> <p>۳-۱: گذشت دوران تیره و ظهور روزگار نیک از آثار قدرت خداوند است.</p> <p>۳-۲: برآمدن پادشاهی عادل و عاقل از نشانه‌های قدرت خداوند است.</p> <p>۴-۱: خداوند آفریننده زمین و آسمان است.</p> <p>۴-۲: خداوند روزی‌رسان بندگان است.</p> <p>۴-۳: خداوند آگاه به اسرار و دانا به همه چیز است.</p> <p>۴-۵: خداوند آمرزنده گناهان است.</p> <p>۴-۶: پیامبر اسلام برگزیده پیامبران و منتخب خداوند است.</p> <p>۵-۱: خداوند شایسته پرستش است.</p> <p>۵-۲: اعتقاد به وجود خداوند عبادت است.</p> <p>۶-۱: خداوند غنی مطلق است.</p> <p>۶-۲: وجود خدا نیازمند وجود هیچ چیز و هیچ کس نیست.</p> <p>۷-۱: خداوند داناترین دانایان است.</p>

فردوسی در جای‌جای شاهنامه بر قدرت مطلق خداوندی تأکید دارد و او را پادشاه پادشاهان و جهاندار مطلق معرفی می‌کند که اطاعت از دستورهایش بر هر کسی واجب است. از این منظر، خداوند منبع لایزال و مطلق قدرت است و هیچ چیز خارج از دایره



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۶۶

سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳

قدرت و اختیار او قرار ندارد. به همین دلیل، قدرت سیاسی وابسته به قدرت خداوندی است و هر قدرتی در ذیل قدرت او قرار می‌گیرد. براساس همین نگرش به قدرت لایزال الهی است که شاه نماینده خداوند بر روی زمین تلقی می‌شود؛ چراکه شاهی فضیلتی است که خداوند به افراد خاصی اعطا می‌کند. از نظر فردوسی، خداشناسی و دین‌باوری اساس اندیشه ایرانی است و بدون آن، هر اقدامی و هر حرکتی محکوم به شکست و زوال است. خداشناسی محور و اساس همه رفتارها و اقدامات ایرانی است و هر چیزی که خدایی نباشد، اهریمنی است (رستگار فسایی، ۱۳۸۱: ۳۸).

در آرا و اندیشه‌های خواجه‌نظام نیز این اعتقاد به خداوند و قدرت مطلق او به خوبی مشاهده می‌شود. خواجه نیز همچون فردوسی، نه تنها به خداوند قادر مطلق ایمان دارد، بلکه دوام و قوام ملک پادشاهی را نیز به اراده او بسته می‌داند. اوست که پادشاهانی برای این سرزمین انتخاب می‌کند. اعتقاد به خداوند یگانه در مقدمه سیاست‌نامه به خوبی جلوه‌گری می‌کند. خواجه نصیرالدین طوسی نیز همپای دیگر اندیشمندان دوره اسلامی، خداوند را غنی و حکیم مطلق می‌داند که اطاعت او بر همگان واجب است.

۳-۲. هماهنگی با نظم کیهانی

جدول ۶

شخص تحلیل	جدول کد
هماهنگی نظم سیاسی و نظم کیهانی	۱-۱: با دادگری و پرهیز از خون‌ریزی، جهان در آرامش و خوشی خواهد بود.
	۱-۲: با ظهور پادشاهی فرمند، جهان پر از صلح و صفا خواهد شد.
	۱-۳: با پادشاهی فرمند، بدی از میان می‌رود.
	۱-۴: با پادشاهی فرمند، غارت و چپاول از میان می‌رود.
	۱-۵: با پادشاهی فرمند، جهانیان مطیع و فرمان‌بردار وی می‌شوند.
	۱-۶: با پادشاهی فرمند، خلاق به راه راست می‌آیند.
	۱-۷: با پادشاهی فرمند، ایران همچون بهشت آباد و زیبا می‌شود.
	۱-۸: با پادشاهی فرمند، جهانیان برای گفت‌وگو و مفاهمه به ایران روی می‌آورند.
	۲-۱: جهانی که ویرانه‌ای بیش نیست، با فره ایزدی آباد می‌شود.
	۲-۲: با پادشاهی فرمند، همه از بدی دست خواهند شست.
	۲-۳: با پادشاهی فرمند، همه جهان گلستان می‌شود.
	۳-۱: خداوند برای عقوبت مردمان بدکار و بی‌دین، پادشاهی نیک را از آنان می‌گیرد.
	۳-۲: با ازبین رفتن پادشاهی نیک، صلح و آرامش در جهان نیز از بین می‌رود.
	۳-۳: با ازبین رفتن پادشاهی نیک، جنگ و خون‌ریزی به راه می‌افتد.

تصویری که فردوسی در ابیات فوق از دوران پادشاهی خسرو ارائه می‌دهد، نمونه‌ی اعلای رسیدن به شاهی آرمانی یا همان داشتن مدینه‌ی فاضله یا به عبارتی بهتر، همان آرمان‌شهر ایرانی است که در آن از ظلم، بدی، جنگ، قتل، غارت، کژی، و... خبری نیست و ایران بهشت روی زمین و سرچشمه‌ی همه خوبی‌ها و واجد صفات نیکوست. براساس سروده‌های فردوسی، شهریار برخوردار از فر ایزدی باعث آبادانی دنیا شده و با شهریار او، نیکی و داد جای بدی و بیداد را می‌گیرد.

از نظر خواجه که متأثر از نظریه‌ی ایران‌شهری است، حکومت پادشاه دارای فره ایزدی، حتی بر پدیده‌های طبیعی نیز تأثیر خواهد گذاشت و باعث وسعت رزق و آبادانی و سهولت معیشت بندگان خواهد شد و به محض جدا شدن فر از پادشاه، تنگی معیشت و بدبختی و گرفتاری و مصیبت سراغ جامعه خواهد آمد؛ تا جایی که اگر اراده‌ی حق تعالی بر این قرار گیرد که قومی را به پادافراه گناهانش عقوبتی دهد، اول‌کاری که انجام می‌دهد محروم کردن آنان از پادشاهی فرهمند است.

۳-۳. رابطه‌ی دین و سیاست

جدول ۷

شاخص تحلیل	جدول کد
رابطه‌ی دین و سیاست	<p>۱-۱: دین بدون شهریار برجا نمی‌ماند.</p> <p>۱-۲: شهریار بدون دین نیز برجا نمی‌ماند.</p> <p>۱-۳: پادشاهی بدون دین، احترام نیابد.</p> <p>۱-۴: دین و دولت همراه یکدیگر و نگهبان هم هستند.</p> <p>۱-۵: دین و دولت از هم بی‌نیاز نیستند.</p> <p>۲-۱: بهترین چیزی که پادشاه به آن نیاز دارد دین است.</p> <p>۲-۲: دین و دولت مثل دو برادر هستند.</p> <p>۳-۱: تحقیق و تدقیق در احکام و سنت‌های دینی، برای پادشاه از واجبات است.</p> <p>۳-۲: پادشاه باید فرمان‌ها و احکام الهی را به‌جای آورد.</p> <p>۳-۳: پادشاه باید علمای دین را تکریم کند.</p> <p>۳-۴: پادشاه باید دین‌داران و زاهدان را گرامی دارد.</p> <p>۴-۱: دین و حکومت همراه و وابسته‌ی هم هستند.</p> <p>۵-۱: دین و دولت بدون هم بقا و دوامی ندارند.</p>

از دیدگاه فردوسی، فر ارتباط تنگاتنگی با دین و دین‌یاری پیدا می‌کند؛ بنابراین، پادشاهی دارای فر است که نماد و یاور دین باشد. از این‌روست که اعتقاد بر آن بود حکم

شاه حکم دین نیز هست. از طرف دیگر، فردوسی تداوم حکومت و دین را وابسته به یکدیگر می‌داند. فردوسی به خویش‌کاری اصلی پادشاهان در دوران باستان، یعنی همان اجرای عدالت و دین‌یاری اعتقاد راسخی دارد و تداوم حکومت را به دین‌داری و دین‌یاری پادشاه وابسته می‌داند و این، همان زمینه برخورداری از فره ایزدی است.

خواجه نظام الملک و خواجه نصیرالدین طوسی نیز بر این اعتقادند که دین و سیاست همراه هم بوده و دوام و بقای یکی بدون دیگری امکان عملی ندارد؛ بنابراین، بر پادشاه است که در راستای انجام فرایض دینی پیشگام باشد و بستر لازم را برای گسترش آن فراهم آورد و از آن نگاهبانی کند.

۴-۳. فره ایزدی

جدول ۸

شخص تحلیل	جدول کد
فره ایزدی	<p>۱-۱: پادشاه دارای فره ایزدی، لایق شهریاری است.</p> <p>۱-۲: پادشاه دارای فره ایزدی، دین‌یار است و رهبر مذهبی نیز تواند بود.</p> <p>۱-۳: پادشاه دارای فره ایزدی دست بدان را قطع می‌کند.</p> <p>۱-۴: پادشاه دارای فره ایزدی جامعه را به سوی سعادت رهنمون تواند شد.</p> <p>۲-۱: شاه فره‌مند از هرگونه بدی مبرا است.</p> <p>۳-۱: کج‌رفتن باعث زوال فره ایزدی می‌شود.</p> <p>کد</p> <p>۴-۱: پادشاه فره‌مند را خدا برمی‌گزیند.</p> <p>۴-۲: پادشاه فره‌مند به هنر حکومت‌داری، توسط خدا آراسته می‌شود.</p> <p>۴-۳: خداوند صلح و سعادت پندگان را بسته به او می‌دارد.</p> <p>۴-۴: خداوند پادشاه فره‌مند را عزیز و محبوب می‌گرداند.</p> <p>۵-۱: خداوند برای عقوبت مردمان بدکار و بی‌دین، پادشاهی نیک را از آنان می‌گیرد.</p> <p>۵-۲: با ازبین‌رفتن پادشاهی نیک، صلح و آرامش نیز از بین می‌رود.</p> <p>۵-۳: با ازبین‌رفتن پادشاهی نیک، جنگ و خونریزی به راه می‌افتد.</p> <p>۶-۱: پادشاه باید از الهام الهی برخوردار باشد.</p> <p>۶-۲: برخورداری از الهام الهی باعث تبعیت مردم می‌شود.</p> <p>۶-۳: شاه برخوردار از الهام الهی حافظ ناموس مردم است.</p> <p>۶-۴: شاه برخوردار از الهام الهی نگهبان دین و شریعت است.</p>

فردوسی به خویش‌کاری اصلی پادشاهان در دوران باستان، یعنی همان اجرای عدالت و دین‌یاری، اعتقاد راسخی دارد و تداوم حکومت را به دین‌داری و دین‌یاری پادشاه وابسته می‌داند. این همان زمینه برخورداری از فره ایزدی است. این فر را خداوند به پادشاه دین‌یار



و خردمند و دادگستر اعطا می‌کند و تا زمانی با او همراه است که از این مسیر برنگردد. زمانی که پادشاهی جور و ستم پیشه کند و دین را یاور نباشد و از خردورزی دوری کند، این موهبت از او گرفته می‌شود. همین هم مقدمات زوال او را فراهم می‌آورد. لزوم اطاعت مردم از پادشاه هم به داشتن موهبت فر الهی برمی‌گردد؛ چراکه مردم دستور و حکم او را دستور و حکم دین تلقی می‌کنند. وقتی این موهبت گرفته شود، اطاعت مردم از شاه نیز زایل می‌شود.

خواجه نظام‌الملک نیز که در پی احیای ارزش‌های ایران باستان بود، قدرت پادشاه را به نوعی حق الهی می‌داند که یکی از مؤلفه‌های اصلی اندیشه سیاسی ایران‌شهری است. مطابق این نظر، شاه برخلاف خلیفه و نیز برخلاف امام که توسط امام پیشین یا به واسطه بیعت امت انتخاب می‌شود، برگزیده خدا و دارنده فره ایزدی است.

شاید بتوان نسبت خدا و شاه را تعیین‌کننده‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه در پیش‌نهاد سیاسی خواجه نظام‌الملک محسوب کرد. خواجه بر این باور است که پادشاه برکشیده و منصوب خداوند است. او این معنای محوری را مکرراً در کتاب خود متذکر می‌شود. این تکرار البته حکایت از آن دارد که خواننده هیچ‌گاه نباید فراموش کند که شاه مثالی و آرمانی که حاکم بالفعل مصداق آن است، برگزیده مستقیم الله است. فی‌المثل در «حکایت پرویز و بهرام چوبین»، از قول پرویز تصریح می‌کند که «خدای، عزوجل، ما را بر زمین داور کرده است...».

از نظر خواجه نصیرالدین طوسی، پادشاه برای اینکه بتواند قوانین شریعت و کشورداری را اجرا کند و مردم نیز از وی تبعیت نمایند، باید الهام الهی بگیرد. تنها در این صورت است که ملک و دین دوام و بقا پیدا می‌کنند.

۴- تأثیر نگرش قدسی به سیاست، بر نگاه ایرانیان به روابط خارجی

عوامل پیش‌گفته درخصوص اعتقادات اندیشمندان ایرانی در حوزه سیاست، نه تنها از یکدیگر منفک نیستند، بلکه ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر داشته و همدیگر را تقویت هم می‌کنند. اعتقاد اساسی به وجود خداوند قاهر و قادر، اساس اعتقاد آن‌ها به وجود نظامی متعالی در جهان را شکل می‌دهد. همین هم باعث می‌شود معتقد باشند که نظم سیاسی در



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

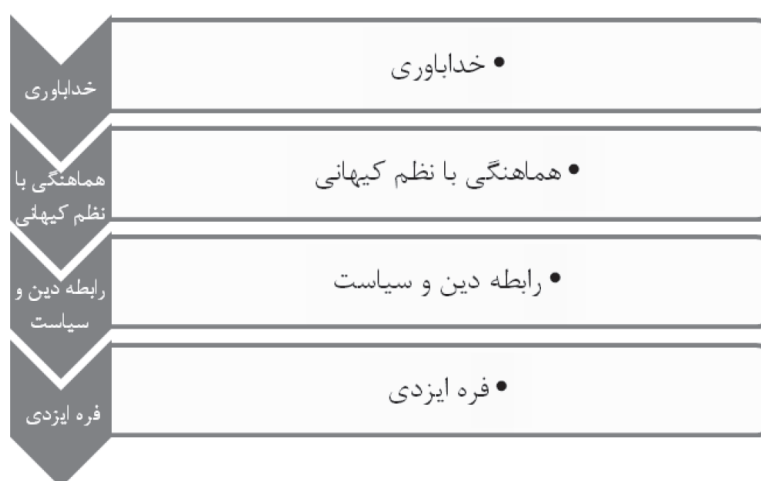
فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۷۰

سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳

جهان مادی باید به دنبال هماهنگی با این نظم متعالی باشد و تلاش خود را انجام دهد تا به سامان مطلوب خود که همان نظم کیهانی است برسد؛ از این روست که دین و سیاست با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند و این دو باید با همیاری و همراهی به این نظم متعالی دست پیدا کنند. هر حاکمی قادر نیست به این مهم دست یابد و جامعه را به سمت این مدینه متعالی رهنمون گردد؛ مگر آنکه از عنایات و انوار ویژه الهی برخوردار باشد. این فرد باید دارای ویژگی‌های خاصی باشد تا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم برگزیده خداوند بوده و از مواهب فره ایزدی برخوردار باشد. تنها این فرد است که می‌تواند گام در راه رسیدن به جامعه آرمانی اسلامی نهاده و مردم خود را نیز به این سعادت هدایت کند. هر که از این موهبت برخوردار باشد، مأموریت‌های ویژه‌ای پیدا می‌کند که از جمله آن‌ها می‌توان به دین‌یاری، عدالت‌گستری، مبارزه با ظلم و جور و برقراری امنیت و آرامش اشاره کرد. شاه برگزیده خدا مأموریت می‌یابد که با هرگونه مظهر ناعدالتی، جور و دشمنان دین و ملک به ستیزه برخیزد. این مأموریت ویژگی خاصی به روابط خارجی ایران می‌دهد و اساس آن را بر مبارزه دائمی میان نیکی و بدی یا حق و باطل قرار می‌دهد. این سلسله‌مراتب را در نمودار زیر می‌توان مشاهده کرد.



پیکار ابدی خیر و شر (نیکی و بدی)، در روابط خارجی

شکل ۱. تأثیر قدسی‌انگاری سیاست بر روابط خارجی در اندیشه ایرانی

۵- پیکار ابدی خیر و شر در روابط خارجی

از میان حکیمان مسلمان، فارابی اولین کسی است که درباره مسئله خیر و شر بحث کرده است. فارابی خیر و شر را به طبیعی (تکوینی)، و ارادی (اخلاقی)، و هریک را به مطلق و نسبی تقسیم کرده است. از منظر هستی‌شناختی، او خیر مطلق را وجود، شر مطلق را عدم و خیر و شر نسبی را کمال مناسب و نبود کمال مناسب می‌داند. از منظر ارزش‌شناختی، فارابی خیر و شر مطلق را سعادت و شقاوت می‌داند و خیر و شر نسبی را هر چیزی که در رسیدن به سعادت و شقاوت مؤثر باشد.

پیکار نیکی و بدی و داد و بیداد از مهمترین عناصر کلیدی اندیشه فردوسی است که در شاهکارش نیز به شکل عمیقی متجلی است. از همین روست که در منطق شاهنامه، سرنوشت شهرياران و پهلوانان به رفتار آنان در زمینه داد و بیداد و نیکی و بدی بسته است (مرتضوی، ۱۳۷۲: ۴۰ تا ۴۲).

در شاهنامه منشأ همه پلیدی‌ها اهریمن است. کارگزاران و همراهان او در این راه، دیوان و پریان و جادوگران هستند. برای اولین بار، اهریمن در زمان کیومرث خود را نشان می‌دهد و فرزندش را به قتل می‌رساند (رستم‌وندی، ۱۳۸۸: ۱۸۰ تا ۱۸۳). شاهنامه فردوسی مملو از شخصیت‌های اهریمنی است که در برابر قهرمانان و پهلوانان آن قد علم کرده‌اند. از جمله این شخصیت‌ها می‌توان به ضحاک و افراسیاب و دیو سفید اشاره کرد که در برابر قهرمانانی همچون فریدون و کیخسرو و رستم قرار دارند.

در دوران ضحاک است که وی خصوصیات جبهه بدی از جمله بیدادگری، خون‌خواری، چیرگی بیگانگان و ناسپاسی را از خود بروز می‌دهد. در دوران او، همه صفات و خصوصیات نیک از بین می‌رود و کثی، دروغ، آز و... بر کرسی می‌نشیند. در مقابل ضحاک، فریدون قرار دارد که عصر او عصر دادگری، استقلال‌طلبی و خیر و برکت و شادمانی است. همین صفات نیکو باعث می‌شود مردم به خاطر داشتن چنین حاکمی خداوند را سپاسگزار باشند. خواجه نظام‌الملک نیز به این عقیده ایمان دارد؛ هرچند به خلاف فردوسی، آشکارا به آن اشاره نکرده است. از فحوای کلام وی می‌توان به چنین استنباطی دست یافت که وی نیز همچون دیگر ایرانیان اندیشه‌ورز، به پیکار نیکی و بدی ایمان داشته و مسلماً جبهه خود را جانب حق و نیکی پنداشته و دیگران را که در این جبهه نیستند، جانب باطل و اهریمنی



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۷۲

سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳

می‌شمرد.

تفاوت خواجه نظام الملک با فردوسی و دیگر پیشینیان اندیشه‌ورز ایرانی این است که خواجه به جبهه نیکی و بدی یا اهورایی و اهریمنی رنگ مذهبی بیشتری داده است و این تقسیم‌بندی را از لحاظ مذهبی انجام داده است؛ برخلاف پیشینیان خود که این تقسیم‌بندی را بیشتر براساس سرزمین و کشور انجام می‌دادند.

خواجه نصیرالدین نیز امور دنیوی را به دو دسته تقسیم کرده و معتقد است که در دنیا خیری هست و شری هست (نصیرالدین طوسی، بی‌تا: ۶۱). او اعمال و افعال ارادی انسان را به دو دسته خیر و شر تقسیم نموده و براساس آن اجتماعات را نیز به دو دسته خیر و شر تقسیم کرده و اولی را مدینه فاضله و دیگری را غیرفاضله نام نهاده که دومی دارای تکثر سه‌گانه است، اما مدینه فاضله بری از تکثر است (نصیرالدین طوسی، بی‌تا: ۲۳۷ تا ۲۳۸).

بنابراین شاهد هستیم که اندیشه ایران باستان در زمینه پیکار دائمی اهورامزدا و اهریمن، به دوران بعد از اسلام نیز سرایت کرده و تداوم داشته است. اهورامزدا و اهریمن دوران اسلامی کسوت خیر و شر را به خود گرفته و به تقابل ابدی خود ادامه می‌دهند. تقسیم‌بندی‌های این جهان به دارالاسلام و دارالکفر، توسط اندیشمندان اسلامی نیز خود مؤید این مدعاست.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام
جمعیت دراسات العالم الاسلامی

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤال بود که نگرش قدسی به سیاست در ایران چه تأثیری بر نگاه ایرانیان به روابط خارجی داشته است. برای یافتن پاسخ درخور، اندیشه‌های سه تن از اندیشه‌ورزان دوره اسلامی (فردوسی، خواجه نظام‌الملک و خواجه نصیرالدین طوسی)، که بر ساحت اندیشه‌ای ایرانی تأثیر فراوانی گذاشته‌اند، به‌روش تحلیل محتوای کیفی بررسی شد؛ بدین ترتیب که آثار منتخب آنان (شاهنامه و سیاست‌نامه و اخلاق ناصری)، به‌عنوان جامعه آماری موضوع مطالعه انتخاب شدند و شاخص‌های تعریف‌شده برای قدسی‌انگاری سیاست، یعنی خداباوری، ایده هماهنگی با نظم کیهانی، رابطه دین و سیاست و فره ایزدی، به‌روش تحلیل محتوا ارزیابی شد و مصادیق متناظر با این شاخص‌ها، در آثار هریک از این اندیشمندان مشخص شد. این مصادیق ابتدا رمزگذاری و سپس رمزگشایی شدند.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که نگرش قدسی به سیاست، باعث شکل‌گیری این نگرش شده که عرصه روابط خارجی صحنه نبرد بی‌پایان حق و باطل است. ایران در جانب جبهه حق قرار دارد و به‌دلیل برخورداری از مواهب ایزدی، همچون پادشاهی الهی یا فره ایزدی، همواره با اهریمنان دیوصفت در حال نزاع است. گفتنی است که این آموزه چه در دوران پیش از اسلام و چه بعد از ورود آن و پس از وقوع انقلاب اسلامی، همچنان تداوم داشته است.

یافته‌های این تحقیق را می‌توان بدین صورت جمع‌بندی کرد:

آفرینش با بروز و ظهور خیر و شر همزاد بوده است. اورمزد (پیش از اسلام)، یا خدا سرچشمه تمامی نیکی‌ها و نماد حق و عدالت است و قدرت مطلق از آن اوست. اهریمن و نیروهای اهریمنی همواره در پی مقابله و دشمنی با اورمزد یا خدا هستند. زمین بخشی از نظم کیهانی است. این نظم و نظام درهم‌پیچیده قواعد و اصول خود را دارد. ایران کشوری مهم و تأثیرگذار در جهان است؛ بنابراین، کسی که در این کشور به قدرت و رهبری می‌رسد، باید دارای ویژگی خاصی بوده و اورمزد یا خدا را یاور باشد. وی برگزیده خدا و دارای فره ایزدی است. دین‌دار و دین‌یار است و در راستای گسترش حق و عدالت تلاش و مبارزه می‌کند. وی نماد و نماینده جبهه اهورایی و حق بوده و بنابراین مبارزه با جبهه



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۷۴

سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳

اهریمنی و شر را در سرلوحه وظایف خود دارد. این مبارزه دائمی و بی‌امان تا آخرالزمان ادامه دارد، تا اینکه با ظهور سوشیانت (منجی دوران پیش از اسلام)، یا امام‌زمان (عج)، (منجی دوران اسلامی)، جبهه حق و اهورایی به پیروزی نهایی می‌رسد.

این نگرش قدسی به سیاست و فرمانروایی به این نتیجه می‌انجامد که شاه یا فرمانروای حاکم بر ایران، باید با نیروهای اهریمنی در مبارزه دائمی باشد. نیروهای اهریمنی نماد و ویژگی متفاوتی می‌یابند. در دوران پیش از اسلام، غیرایرانیان نماد اهریمن بودند و جهانیان به دو گروه ایرانی و انیرانی تقسیم می‌شدند. اما این تقسیم‌بندی در دوران پس از اسلام، بیشتر رنگ‌وبوی مذهبی به خود گرفته و اسلام معیار تشخیص جبهه حق از باطل بود و به‌همین دلیل، جهان به دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌شد.

از این منظر، جهان عرصه مبارزه دائمی میان جبهه حق و باطل است که درنهایت، با ظهور منجی آخرالزمان و با پیروزی جبهه حق به پایان خود می‌رسد. در این دیدگاه، ایران همواره در مرکز جبهه حق است و فرمانروای آن، در جایگاه جانشین و برگزیده خداوند، وظیفه رهبری مبارزه با جبهه باطل را برعهده دارد. برپایه یافته‌های تحقیق حاضر، اعتقاد به این مبارزه دائمی، همواره، در طول تاریخ ایران جاری بوده؛ اما شدت و قدرت آن با تغییراتی همراه بوده است.

کتابنامه

- (۱۳۶۴)، مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، تهران: توس.
- (۱۳۵۶)، یسنا، گزارش ابراهیم پورداوود، تهران: دانشگاه تهران.
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستینچی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس.
- اطاعت، جواد (۱۳۷۶)، ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران، تهران: سفیر.
- اعتماد السلطنه، م. ح. (۱۳۴۸)، خلسه، تهران: طهوری.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۰)، بندهش، تهران: توس.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۱)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگاه.
- پولادی، کمال (۱۳۸۷)، تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، تهران: مرکز.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای (۲۰۰۱-۱۹۹۱)، تهران: وزارت امور خارجه.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، «مبانی فرانظری نظریه اسلامی روابط بین‌الملل»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، ش ۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- دیلیم صالحی، بهروز (۱۳۸۴)، از نظم سیاسی تا نظم کیهانی در اندیشه ایرانی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳)، معرکه جهان‌بینی‌ها در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان، تهران: احیاء کتاب.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۶)، مشکله هویت ایرانیان امروز: ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ، تهران: نشر نی.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۱)، فردوسی و هویت‌شناسی ایرانی، تهران: طرح نو.
- رستم‌وندی، تقی (۱۳۸۸)، اندیشه ایران‌شهری در عصر اسلامی، تهران: امیرکبیر.
- رمضانی، روح‌الله (۱۳۸۰)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۶)، فرهنگ سیاسی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۹۰)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۴)، سیاست خارجی ایران: رهیافتی نظری - رویکردی عملی، تهران: میزان.
- شریف، محمدرضا (۱۳۸۱)، انقلاب آرام: درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران، تهران: روزنه.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۷۶

سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳

- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۵)، درآمدی بر اندیشه سیاسی در ایران، تهران: کویر.
- طوسی، نصیرالدین، بی‌تا، اخلاق ناصری، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۳)، شاهنامه، تهران: قطره.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۹۷۱)، شاهنامه، تحت نظر ی. ا. برتلس، مسکو: ادبیات خاور.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۷)، پیرامون خودمداری ایرانیان: رساله‌ای در روان‌شناسی اجتماعی مردم ایران، تهران: اختران.
- کریمی زنجانی اصل، محمد (۱۳۸۲)، درآمدی بر چالش آرمان و واقعیت در فلسفه سیاسی فارابی، تهران: کویر.
- لمبتون، آ. ک (۱۳۸۰)، دولت و حکومت در اسلام، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- مجتبایی، فتح‌الله (۱۳۵۲)، شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی، تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۷۲)، فردوسی و شاهنامه، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مهدوی، عبدالرضا (هوشنگ) (۱۳۸۴)، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی ۱۳۰۰-۱۳۵۷، تهران: پیکان.
- نظام‌الملک، خواجه (۱۳۴۷)، سیرالملوک، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۸)، فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران (چالش‌ها، آسیب‌ها و راهکارها)، تهران: دفتر گسترش تولید علم دانشگاه آزاد اسلامی.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱)، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- Babbie, Earl (2001), The practice of social research, Belmont: Wadsworth.
- Davar, Firoze Cowasji (1953), Iran and It's Culture, Bombay: New Book.
- Gnoli, Gherardo (1989), The idea of Iran: an essay on its origin, Roma: Istituto italiano per il Medio ed Estremo Oriente.
- Jackson, W. (1928), Zoroastrian Studies, New York: Colombia University.
- Moshirzadeh, Homeira (2010), "Domestic Ideational sources of Iranian Foreign Policy", Iranian Review of Foreign Affairs, Vol.1, No.1.
- Potter, W.J. & Levine Donnerstein (1999), "Rethinking validity and reliability in content analysis", Journal of Applied Communication Research, vol. 27.
- RAMAZANI, R.K. (2010), "Reflections on Iran's Foreign Policy: Spiritual Pragmatism", Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 1, No. 1.

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

شکوهی، سعید (۱۳۹۳)، «تأثیر نگرش قدسی به سیاست بر روابط خارجی، در اندیشه اندیشمندان ایرانی»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۱، بهار ۱۳۹۳.